

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی
۰۹ فبروری ۲۰۲۲

بحران اوکراین، خبر خوبی برای ایران و روسیه اما خبر بدی برای اسرائیل است.



روزنامه اسرائیلی **هآرتص** در مقاله ای به بررسی وضعیت پیش آمده در خاورمیانه تحت تأثیر تحولات اوکراین پرداخته است و نتیجه می گیرد که سیر حوادث به سود ایران و روسیه در خاورمیانه به پیش می رود و اسرائیل بازنده این بحران خواهد بود. به نظر می رسد تحلیل نویسنده روزنامه اسرائیلی بیشتر نگرانی های جامعه اسرائیل را بازتاب می دهد تا واقعیت های شرایط فعلی منطقه را.

تجدید حیات سریع روسیه ممکن است یک سیستم جهانی کاملاً سه قطبی را به جای سیستمی که عمدتاً دوقطبی است و روسیه در آن نقش کوچکی ایفاء می کند، به وجود بیاورد. آینده نظم پس از جنگ سرد و اتحاد غرب به ندرت تا کنون در معرض چنین خطری قرار گرفته است. موفقیت در اوکراین، روسیه را در تعقیب اهداف ستراتیژیک خود یعنی بیرون راندن ایالات متحده از خاورمیانه و تبدیل شدن به ابرقدرت مسلط در منطقه جسور خواهد کرد. اهدافی که خوشایند ایران نیز هست.

هآرتص نوشت: بحران اوکراین برای روسیه و ایران یک موفقیت است اما خوشایند اسرائیل نیست اگرچه تلویزیون اسرائیل در حد کمی به اخبار اوکراین می پردازد، اما این بحران برای تل ابیب اهمیت زیادی دارد. رویدادهای اوکراین نه تنها برای نظام بین الملل، بلکه برای اسرائیل و کل خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. بسختی می توان انتظار داشت که بحران بدون پیشروی روسیه و تضعیف ایالات متحده و غرب پایان یابد. روسیه موضعی را اتخاذ کرده است که احتمالاً نمی تواند از آن عقب نشینی کند و غرب نیز نمی تواند آن ها را بپذیرد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه که از

شکست امریکا در افغانستان و مداخله موفقیت‌آمیز مسکو در قزاقستان به طرفداری از رژیم این کشور جسارت یافته است، به نظر می‌رسد که مصمم است نظم جهانی پس از جنگ سرد را بازسازی کند و جایگاه جهانی روسیه و حوزه نفوذ آن را دوباره تقویت کند. ایالات متحده که غرق جنجال‌های داخلی خود شده بود، سعی داشت توجهش را در امور خارجی عمدتاً به مهار چین معطوف کند، نه روسیه در حال ظهور.

به نظر نمی‌رسد، غرب عزم و قدرتی برای واکنش به آنچه بایدن بزرگترین تهاجم پس از جنگ جهانی دوم نامید، داشته باشد. بایدن به دنبال متحد کردن اعضای ناتو است، اما مداخله نظامی مستقیم را رد کرده و واکنش امریکا را به تحریم‌های سختگیرانه، کمک نظامی اندک به اوکراین و تهدیدی مبهم برای استقرار ۸۵۰۰ سرباز در کشورهای همسایه محدود کرده است. واکنش ضعیف المان نامید کننده تر بوده است. بحران اوکراین یک پیروزی برای چین است، چینی که در هدف روسیه برای پایان دادن به هژمونی امریکا در نظام بین‌الملل اشتراک منافع دارد و با تحقیر ایالات متحده منافعش تأمین می‌شود.

روسیه پیش از این گام‌های بزرگی در این راستا برداشته است. این کشور با موفقیت در سوریه مداخله کرد و حکومت آن را نجات داد، با امضای توافقنامه‌های بلندمدت در زمینه پایگاه‌های هوایی و بحری در این منطقه توانایی خود را برای قدرت‌نمایی نشان داد و تلاش‌های اسرائیل برای خنثی کردن استقرار ایران در سوریه را به حسن نیت خود وابسته کرد. این کشور راکتورهای هسته‌ای و سلاح‌های پیشرفته را به ترکیه فروخته است و در نتیجه بین انقره و امریکا شکاف ایجاد کرده است و اکنون با استفاده از همین ابزارها در تلاش است در مصر نیز همین کار را انجام دهد. روسیه نقش نفوذی در لیبیا به دست آورده و روابط ستراتیژیک خود را با ایران بیشتر تقویت کرده است.

برای ایران، زمان وقوع بحران اوکراین که همزمان با نقطه حساس مذاکرات هسته‌ای است، نمی‌توانست مساعدتر از این باشد. حداقل، این بحران توجه را از ایران و موضوع هسته‌ای منحرف می‌کند، از توانایی ایالات متحده و کشورهای غربی در اتخاذ مواضع قهرآمیز می‌کاهد و به تهران فرصت بیشتری برای طولانی کردن مذاکرات و ادامه توسعه برنامه هسته‌ای اش را می‌دهد.

چشم انداز توافق هسته‌ای جدید ممکن است یکی از قربانیان بحران اوکراین باشد. تمایل محدود دولت جدید ایران برای دادن امتیاز حتی بیشتر کاهش خواهد یافت و عزم این کشور برای بیرون راندن ایالات متحده از عراق، سوریه و منطقه تقویت خواهد شد. در این شرایط، روسیه خشمگین که در مورد احتمال اعمال تحریم‌های سنگین و اضافی ایالات متحده آگاه است، کمتر تمایل دارد که ایران را برای دستیابی به سازش هسته‌ای تحت فشار قرار دهد. پیامدها برای امنیت ملی اسرائیل و امنیت منطقه بسیار گسترده خواهد بود.

دلایل گشت‌زنی‌های هوایی تهاجمی روسیه در امتداد بلندی‌های جولان معلوم نیست. آیا مسکو قصد دارد اقداماتی را در چارچوب تصمیم برای مهار حملات اسرائیل علیه اهداف ایرانی در سوریه به اجرا بگذارد و سیگنالی مبنی بر این که روسیه انتظار بی‌طرفی اسرائیل در بحران اوکراین را دارد، به تل ابیب ارسال کند.

نیات روسیه هرچه که باشد، اشتغال به موضوع اوکراین، تمایل محدود ایالات متحده را برای تعامل در سوریه بیشتر کاهش می‌دهد، نقش روسیه را در آنجا تقویت می‌کند و توانایی اسرائیل را برای مقابله با استقرار ایران در سوریه بیشتر از قبل به روسیه وابسته می‌کند.

مصر، اردن، مراکش و به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس که امنیت آنها تا حد زیادی به ایالات متحده وابسته است، به طور فزاینده‌ای این سؤال برایشان پیش می‌آید که آیا می‌توانند به واشنگتن اتکاء کنند یا خیر. اعتماد اعراب به ایالات متحده قبلاً به دلیل رها کردن مبارک، تمایل محدود برای اصلاح روابط با عربستان سعودی، تمرکز واشنگتن به

شرق دور و عقب نشینی حقیرانه از افغانستان به شدت متزلزل شده است. ضربه بیشتر به اعتماد آنها به ایالات متحده احتمالاً به دو روند موجود و متضاد انگیزه بیشتری خواهد داد.

از یک سو، علاقه کشورهای حوزه خلیج فارس به گسترش بیشتر روابط با اسرائیل، به عنوان بخشی از موازنه مجدد منطقه ای که برای مقابله با ایران و محور رو به رشد روسیه-ایران-ترکیه طراحی شده است، افزایش خواهد یافت.

این امر به ویژه در مورد امارات متحده عربی و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس صدق می کند که ممکن است در حال حاضر به دنبال حملات مکرر حوثی ها علیه خود به افزایش همکاری دفاع راکتی علاقه مند باشند. همکاری های مدنی و تجاری این کشورها به ویژه امارات متحده عربی با تل ابیب نیز به سرعت گسترش خواهد یافت.

از سوی دیگر، اسرائیل نمی تواند در محاسبات امنیتی جایگزینی برای ایالات متحده باشد و با توجه به تفاوت های اساسی اسرائیل با این کشورها، احتمالاً محدودیت هائی برای رشد روابط وجود دارد. بنابراین، کشورهای خلیج فارس احتمالاً به دنبال بهبود روابط با روسیه و مضاعف کردن تلاش های دوجانبه برای تنش زدائی با ایران خواهند بود، هر چند که درباره موفقیت برای نزدیکی به تهران تردید وجود دارد.

بحران اوکراین باعث کاهش بیشتر علاقه بین المللی و منطقه ئی به موضوع فلسطین خواهد شد. این امر در کوتاه مدت شرایط را برای اسرائیل تسهیل می کند، اما مطمئناً برای پیشرفت به سوی حل و فصل مهمترین مشکل امنیت ملی آن مضر است.

حماس و جهاد اسلامی فلسطین که از عدم توجه ناامید، اما بر اثر ضعف مشهود غرب دلگرم شده اند، ممکن است بار دیگر حضور خود را پررنگ کنند و چشم انداز خصومت ها در غزه و فراتر از آن را افزایش دهند.

روسیه بارها حملات سایبری را علیه اوکراین انجام داده و از آن به عنوان محل آزمایش قابلیت های سایبری خود استفاده کرده است. اگر همانطور که انتظار می رود، مسکو یک کمپین سایبری بزرگ علیه اوکراین قبل از تهاجم واقعی به راه بیندازد، اسرائیل چیزهای زیادی برای یادگیری در زمینه توانائی های سایبری تهاجمی و دفاعی خواهد داشت.

برای اسرائیل که امنیت ملی آن به طور جدائی ناپذیری با امنیت ایالات متحده پیوند خورده است، هر گونه کاهش قدرت امریکا به خودی خود بازتاب بدی دارد. اسرائیل همچنین روابط نزدیک تری با ناتو نسبت به سایر کشورهای غیر ائتلافی دارد و روابط نظامی رو به رشدی با اعضای منفرد از جمله بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و یونان دارد. به همین دلیل، بحران اوکراین می تواند تل ابیب را تحت تأثیر قرار دهد.

گسترش روابط با کشورهای سنی و کشورهای حاشیه خلیج فارس ممکن است تا حدی اثرات تضعیف ناتو را به عنوان یک اتحاد غربی برای تل ابیب خنثی کند، اما از آنجائی که اسرائیل ارزش های اساسی فرهنگی و هنجاری و نه فقط منافع سنتراتیویک خود را دارد، وقتی تیم داخلی آن ضربه بخورد، اسرائیل امنیت کمتری خواهد داشت.

بحران اوکراین، اسرائیل را در موقعیتی بدون برد قرار می دهد. وابستگی تقریباً کامل این کشور به ایالات متحده بار دیگر با تصمیم اخیر در مورد ممنوعیت شرکت های چینی از شرکت در مناقصه برای سیستم جدید ریلی سبک تل ابیب نشان داده شد. به طور کلی، اسرائیل نمی تواند از ایالات متحده حمایت نکند.

با این حال، اسرائیل همچنین نمی تواند به روابطش با روسیه که می تواند بشدت عملیات هوائی این کشور را در سوریه و فراتر از آن را محدود کند و حداقل همکاری جزئی با آن در موضوع هسته ئی ضروری است، ضربه بزند. اسرائیل از سال ۲۰۱۴ روی یک طناب ظریف دیپلماتیک در اوکراین گام برداشته است و باید با احتیاط به حرکت خود ادامه دهد.